



4 دسمبر 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## مختصری درباره تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان (بخش پنجم)

### 3 - لویه جرگه سال 1307 ش در پغمان - کابل:

اعلیحضرت امان الله شاه غازی [از این به بعد با اختصار "اعلیحضرت" نامیده میشود] بعد از حصول استقلال و برقراری روابط سیاسی با بسا کشورهای جهان، تمام نیروی خود را متوجه اصلاحات اداری، اجتماعی و سیاسی کشور کرد. اصلاحات عصرامانی را بطورکل میتوان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول از 1298 تا 1302 ش (1919 تا 1923 م)، دوره دوم از 1304 تا اواخر 1306 ش (1925 تا 1927 م) که البته اغتشاش خوست (1303 - 1304 ش) مرحله اول و دوم را از هم جدا کرد و دوره سوم بعد از عودت از سفر اروپا (سرطان 1307 ش - جون 1928) تاختم دوره سلطنت (24 جدی 1307 ش - 12 جنوری 1929)

طی دوره اول بعد از حصول استقلال، اعلیحضرت کوشید تا برخرابه های نظام کهنه قبایلی شالوده یک دولت عصری را بر مبنای قانون و نظم به وجود آورد: اصلاحات اداری در داخل ارگان حکومت، انفاذ قانون اساسی و احترام به آزادیهای فردی، وضع قوانین و نظامنامه ها در ساحات مختلف (بیش از 50 نظامنامه)، رجوع به نظر مردم و فراخواندن لویه جرگه به حیث یک مرجع عالی تقنینی، اصلاحات امور مالی، توجه به امور معارف و برای اولین بار افتتاح مکاتب نسوان و تسلاوی حقوق زن و مرد، از بین بردن امتیازات و معاشات مستمری بعضی خانواده ها و القاب شان همه از جمله نوآوریهای مهم و بسیار بحث انگیز بودند. مسلم است که بسیاری از این نوآوریها به منافع کلی طبقات صاحب امتیاز از جمله خوانین، زمین دارها، خانواده های اشرافی و به خصوص یک عده علمای دینی محافظه کار و متعصب صدمه رسانید و به تحریک انگلیسها که مثل پلنگ زخمی از استقلال خواهی اعلیحضرت و اثرات آن در سرزمین هند در صدد انتقام از او بودند و قیام خوست را براه انداختند و آنرا به یک جنگ تمام عیار در مقابل دولت تبدیل کردند تا بدانوسيله افغانستان را از مسیر تحول مزید باز دارند و بار دیگر آتش جنگ داخلی را در کشور شعله ور سازند. (برای معلومات مزید درباره نوآوریها و عکس العمل محافظه کاران افراطی منتج به قیام خوست "جنگ منگل" گردید، مراجعه شود به: غبار: افغانستان در مسیرتاریخ...، جلد اول، صفحات 789 تا 811)

قیام خوست وقتی آغاز گردید که در کابل لویه جرگه (1303) در حال تدویر بود و نماینده گان روی مسائل حساس مربوط به نوآوری ها مصروف بحث و مناقشه بودند. قیام خوست زنگهای خطر را برای آینده بصدا درآورد، لذا اعلیحضرت مجبور گردید در لویه جرگه 1303 از یک قسمت اصلاحات منصرف شود و پس از خاموش ساختن اغتشاش توجه را بار دیگر به آوردن اصلاحات معطوف کرد و به رفع نواقص اداری پرداخت. او برای این مقصد به چند ولایت افغانستان سفر کرد و امور حکومتی را مورد بررسی قرار داد و به مشکلات مردم دادرسی نمود.

د پانو شمیره: له 1 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

درختم دوره دوم اصلاحات که آرام ترین دوره سلطنت محسوب میشود، اعلیحضرت برطبق فیصله مجلس وزراء و دعوت اغلب کشورها تصمیم گرفت درراس یک هیئت رسمی به معیت ملکه ثریا به یک سفرهشت ماهه به 12 کشور بپردازد. سفر به تاریخ هفت قوس 1307 ش (29 نوامبر 1927) آغاز وبتاریخ 10 سرطان 1307 (اول جولای 1028) با برگشت به وطن پایان یافت. اعلیحضرت و همراهان دراین مدت ازکشورهای هند، مصر، ایتالیا، فرانسه، انگلستان، بلژیک، آلمان، سوئیس، پولند، روسیه، ترکیه وایران دیدن کرد و با سران حکومت آن کشورها ملاقات و با بعضی ها قراردادهای تجارتي و غیره عقد نمود. این سفرازلحاظ روابط خارجی با اهمیت بود که درنهایت افغانستان را به حیث یک کشور آزاد شامل نقشه جهان ساخت. شاه و ملکه در ممالک اروپائی به شمول انگلستان مورد استقبال شاهانه قرار گرفتند که دیگرشکی برای آزادی افغانستان در هیچ جا باقی نماید.



محل برگزاری لویه جرگه های 1303 و 1307 در پغمان

یک نتیجه ای بسیار مهم این سفر همانا مجذوبیت بسیار جدی اعلیحضرت به آزادی ها و پیشرفت های صنعتی و جدید آن کشورها بود که هنگام برگشت به وطن بدون تأمل و رعایت شرایط عینی و ذهنی کشور به شدت بسیار به ادامه نوآوریهای بیشترشکلی و حساس پرداخت. این روش، درحالیکه درغیاب او مخالفانش قبلاً بساط قیام را هموار کرده و مخفیانه دست به تحریک اقوام زده بودند، آتش اغتشاش را بار دیگر به سرعت شعله ورساخت که موجب سرنگونی سلطنت گردید. (برای شرح مزید درباره گزارشات سفر اعلیحضرت دیده شود: وکیلی پوپلزائی، عزیزالدین: "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا"، چاپ دوم، پشاور، 1379)

اعلیحضرت به مجرد ورود به کشور در فکر پیاده کردن نوآوری های "انقلابی" خود شد و لویه جرگه را بتاریخ 6 سنبله 1307 ش (29 اگست 1928) مشتمل بریکهزارنماینده جهت ارائه راپور سفر و اقدامات بعدی دولت در پغمان دایر کرد. دراین جرگه نماینده گان مجبور شدند تا بجای لباس ملی و محلی، با لباس اروپائی متشمل بر دریشی و نکتائی و کلاه شاپوه ملبس شوند و این لباس را دولت به آنها تحفه داد. جرگه پنج روز دوام کرد که بطور کل بحث های آزاد و جدی بین اعضای لویه جرگه و دولت در مسائل مختلف صورت گرفت. جرگه براغلب پیشنهادات دولت با کمی تعدیلات مهر تائید گذاشت، مگر در مورد رفع حجاب زنان، مخصوصاً اینکه شاه از ملکه خواست تا روبند خود را رسماً در حضور اعضای لویه جرگه از چهره بردارد، مجلس بسیار هیجانی شد و آتش خشم آنها که قبلاً

د پانوی شمیره: له 2 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

از طریق پروپاگند دشمنان و نشر عکس های جعلی ملکه حین سفر اروپا و عدم رعایت حجاب در "ملک کفر" برافروخته شده بود، به شدت شعله ور گردید. حینیکه اعضای لویه جرگه به محلات خود برگشتند، جریان را به اطلاع مردم رسانیدند و شایعه ای دشمنان را که گویا شاه کافر شده است، بیش از پیش تقویه کردند.

بعد از ختم لویه جرگه اعلیحضرت تصمیم گرفت تابعی از اصلاحات مورد نظر را که در لویه جرگه فرصت ابلاغ نیافته بود، طی یک تعداد جلسات یومیه در قصر ستور (عمارت وزارت خارجه) با حضور تعداد کثیر از اکرین دولت اعم از ملکی و نظامی و کور دیپلماتیک مقیم کابل که با زنان شان دعوت شده بودند، بیان نماید.

### گزارش مختصر لویه جرگه:

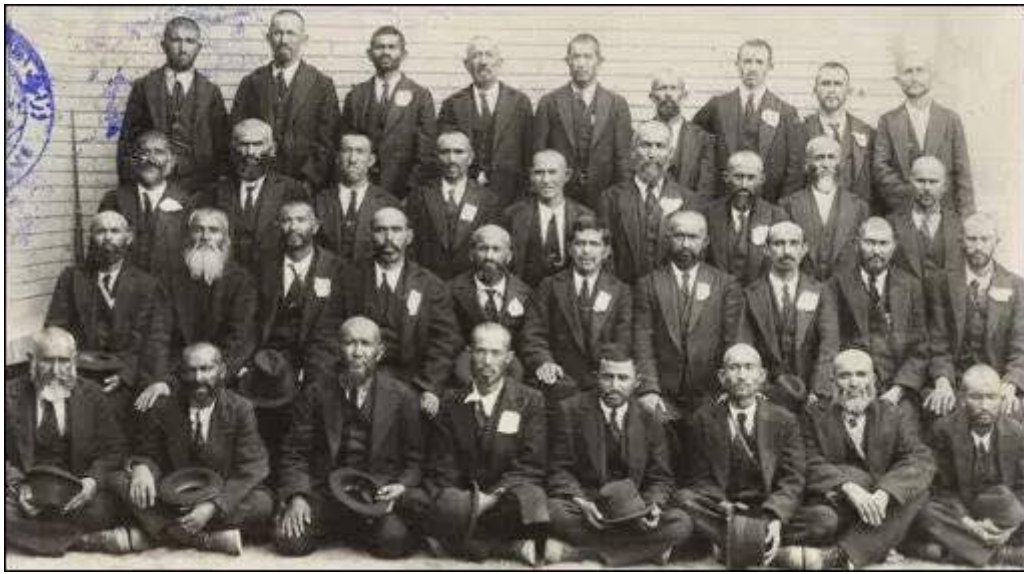
متأسفانه گزارش مفصل مثل لویه جرگه قبلی درباره رویداد های مکمل این لویه جرگه در دست نیست و شاید به دلیل اینکه این لویه جرگه در حالی برگزار شد که کشور در یک نوع آرامش قبل از طوفان قرار داشت و جریان لویه جرگه و سپس تدویر کنفرانس ها در قصر ستور از یکطرف و ناراضیاتی نمایندگان و حلقهات محافظه کار مذهبی از طرف دیگر فرصت تدوین و نشر رویداد را میسر نساخت و اگر اسنادی هم در دست بود، با وقوع اغتشاش سقوی و سقوط سلطنت امانی از بین برده شدند. وقتی در چندین کتاب و مأخذ نظر انداختم، جز مطالب مختصر و همسان درباره این لویه جرگه چیزی بیشتر از آن در دستم نرسید، البته با این تفاوت که یک نویسنده با کمی خوشبینی و دیگری با شیوه ای نسبتاً انتقادی ابراز نظر کرده بودند. یگانه مأخذی که بر رویدادهای لویه جرگه 1307 بصورت فشرده و اما جامع روشنی انداخته، کتاب "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، اثر افغانستان شناس معروف امریکائی - اطریشی "لودویک آدامک" است که در یک قسمت فصل چهارم زیر عنوان "سفر و شکست امان الله" مطالبی دارد که اهم آنرا ذیلاً اقتباس میدارم:

وقتی اعلیحضرت پس از سفر به دوازده کشور که بیش از هفت ماه بطول انجامید، از راه قندهار به کابل مواصلت کرد، مردم کابل برای سه روز بازگشت او را جشن گرفتند و از او و هیئت معیتی او به گرمی استقبال کردند. آدامک می نویسد: «بعد از آن امان الله برای استراحت چند روز به پغمان رفت. پادشاه افغانستان نمیتوانست برای مدت طولانی غیرفعال باشد، زیرا او امر داده بود تا لویه جرگه دایر شود... یک هزار نماینده از سران قبایل، اشخاص برجسته قراء و اعضای علمای دینی گردهم جمع آمده بودند. آنها مجبور ساخته شدند تا دستارها و لباسهای عنعنوی و محلی خود عوض کنند و به پوشیدن کرتی و پتلون سیاه و پیراهن سفید و نکتائی سیاه و کلای شیوه نرم و سیاه وادار شدند. این لباس بطور تحفه از طرف دولت برای نمایندگان ملت تهیه گردیده و در همه اوقاتیکه در پغمان بودند، آنرا می پوشیدند.»

قابل ذکر است که قبل از تشکیل این لویه جرگه جراید نیمه رسمی پایتخت به تبلیغات آغاز نموده و به مردم توصیه کردند که بجای شخصیت های محافظه کار و متعصب دینی - مذهبی که باید اشخاص خبره و میانه رو را به نمایندگی خویش انتخاب دارند (نوید، سنزل: "واکنش های مذهبی و تحولات اجتماعی در افغانستان..."، مترجم: محمد نعیم مجددی، هرات، 1388، صفحه 173 به استناد جریده انیس، مورخ 27 جولای و 5 اگست 1928)

لویه جرگه تحت همان نظم که در لویه جرگه 1303 برطبق نظامنامه خاص دایر شده بود، بار دیگر به همان شکل و نظم برای پنج روز در پغمان ادامه یافت و بروز 29 اگست 1928 [6 سنبله

1307ش] آغاز گردید. آدامک می نویسد: «امان الله جلسه اول را چنان افتتاح کرد که در آن وانمود ساخت که او به حیث زمامدار افغانستان حرف نمی زند و آنها را به قبول پیشنهادهای خود مجبور نمیسازد. برای آنها گفت که وظیفه شان است تا آزادانه درباره کشور خود تبادل افکار کنند و صحبت نمایند، مگر اصرار ورزید که به فیصله ای که توسط اکثریت آراء گرفته میشود، احترام کرد و به آن پایدار ماند و مخالفت نمایندگان ملت را به تصامیم اکثریت آراء خیانت به خود، به خانواده، به ملت و به پیغمبر (ص) تلقی کرد. امان الله قرار گذاشت که هر چه با دین اسلام مغایرت داشته باشد، نمیتواند مورد بحث قرار گیرد.»



یک تعداد اعضای لویه جرگه 1307 پغمان با لباس مخصوص

عمده ترین فیصله روز اول اجلاس لویه جرگه، موضوع تشکیل شورای ملی بود. آدامک در زمینه می نگارد: «در جلسه اول فیصله شد که شورای دولت باید با یک پارلمان یا شورای ملی که توسط ملت آزادانه انتخاب شود، تعویض گردد. اشخاص رسمی حکومت نمیتوانند به عضویت شورای ملی انتخاب شوند. شورای ملی باید با لویه جرگه هم آهنگی داشته باشد.» آدامک می افزاید که: «خطابه افتتاحیه امان الله با کف زدن ها و هلله ها بدرقه شد. بعد از آن غلام صدیق خان منشی کابینه و پادشاه مسوده قانون انتخابات اعضای پارلمان یا شورای ملی را قرائت کرد.»

در جلسه روز دوم مورخ 30 اگست نخست راپور فعالیت های وزرای مختلف در ظرف سه سال گذشته خوانده شد و بعد از آن بحث درباره چند موضوع صورت گرفت. آدامک خلاصه این تصاویر را چنین بیان میکند: «لویه جرگه قیود و شرایطی را وضع کرد که قدرت عفو از قضات و حکام گرفته شود و این قدرت تنها برای پادشاه تفویض گردد؛ از رشوه، سوء استفاده و زجر و دشنام دادن جلوگیری شود؛ یک هیئت تحقیق و تفتیش مستقل تشکیل گردد تا به مظالم و شکایات و لایات رسیدگی کند؛ مدت خدمت عسکری از دو سال به سه سال تمدید یابد و برای همه اجباری باشد، در آن استثناء نمیگنجد و نه عوضی گرفتن مجاز دانسته میشود، تطبیق تعزیر ممنوع شود زیرا ساحه آن بسیار وسیع است از پیشانی ترشی تا حکم قتل را در بر میگیرد، لذا جزا ها باید بصورت قاطع تعریف و

د پانور شمیره: له 4 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ



مشخص گردند؛ بالاخره به تقاضای اعضای لویه جرگه و تطبیق درست مالیات بر مواشی، لازم دیده شد تا هر سال سرشماری و احصائیه گیری مواشی صورت گیرد.»

در اجلاس روز سوم لویه جرگه (مورخه 9 سنبله مطابق 31 اگست) فیصله بعمل آمد که: «جمله عناوین و القاب رسمی را از بین بردارند و همچنان القاب اجتماعی را ملغی سازند و بنابر آن همه اشخاص رسمی را بدون در نظر داشت مقام و منزلت به کمال سادگی "عزیز" خطاب نمایند، مثل عزیز محترم، وزیر عزیز و امثالهم. حتی امان الله پادشاه نیز میخواست او را هم "پادشاه عزیز" خطاب کنند، اما اعضای لویه جرگه این پیشنهاد او را قبول نکردند و اصرار ورزیدند که امان الله لقب خود یعنی "اعلیحضرت" را حفظ نمایند. همچنان فیصله شد که لباسهای مجلل رسمی و یونیفورم های قیمتدار باید از بین برود و در اوقات رسمی و مراسم اجتماعی باید لباسهای ساده برای اشخاص ملکی دریشی سیاه و برای اشخاص نظامی دریشی خاکی تخصیص داده شود. علاوه بر آن جمیع مدالها و نشانهای تزئیناتی از بین برداشته شود، به استثنای نشان استقلال که برای اشخاص بسیار فعال و نافع ملی و فاتحان و قهرمانان نظامی اعطا میشود... و نیز ملاها که به حیث امام، معلم یا واعظ وظیفه داشتند، باید تابع امتحان دانسته شوند و بعد از امتحان و اخذ تصدیق نامه اجازه دارند تا وظایف خود را انجام دهند. علاوه ملا هائیکه از خارج بودند، بخصوص آنهائیکه از مدرسه دیوبند هند فارغ التحصیل شده بودند، برای شان اجازه داده نشود که داخل افغانستان به گردش بپردازند، زیرا آنها مردمان بد و شریر و پروپاگندچی خارج و خائن شمرده میشوند. کسانی که از چنگ قانون فرار کرده اند و یا فرار میکنند، باید توسط نمایندگان ملت بر حسب قانون دستگیر شوند و نیز محاکم عصری که در حال تأسیس اند، باید قرار خود را به اساس سند و شواهد صادر کنند، نه آنکه توسط اصول قدیمه گواهی و شهادت...»

آدامک در ادامه می نویسد: «در پایان جلسه امان الله اعلام کرد که او 53 هزار تفنگ خریداری کرده و اراده دارد تا 50 هزار دیگر هم با 50 میلیون گلوله و کارتوس و مهمات دیگر آن خریداری کند و قیمت آن از درک کمک و اعانه جمیع افراد کشور که بالاتر از سن پانزده باشد فی نفر پنج افغانی و تادیه یک ماهه معاش مامورین دولت برای یک مرتبه پرداخته خواهد شد.» آدامک می افزاید: «برطبق اخبار منتشره در مطبوعات افغانستان این اعلان امیر با شوق و ذوق پذیرفته شد و نماینده کابل - غلام محی الدین گفت که او حاضر است برای این هدف مقدس یک لک افغانی اعانه بدهد و از دیگران هم خواهش کرد تا از او پیروی کنند.»

در جلسه روز چهارم (مورخه دهم سنبله مطابق اول سپتمبر) یک قسمت زیاد وقت صرف مباحثه پیرامون قانون مامورین و موضوعات مربوط آن گردید، طوریکه آدامک می نگارد: برای جلوگیری از تخطی باید مامورین دولت در شروع مأموریت، دارائی خود را با عاید سالانه آن ثبت نمایند. این اوراق باید بدسترس هیئت تفتیش گذاشته شود و آنچه اضافه از مصارف آنها باقی می ماند، یا چشمه عایداتی آنها وانمود میگردد و یا آنکه حاصل تخطی و اختلاس آنها بشمار میرود که در اینصورت موجب تنبیه و جزاء پنداشته میشود. همچنان قانون مامورین که زیر بحث بود، درباره ترفیعات و مصارف سفریه حین انجام وظیفه، نیز مطالبی را در برداشت که در این مجلس روی آن بحث صورت گرفت و در عین زمان فیصله شد که معاش مامورین دولت توسط شورای ملی تعیین گردد. از همه مهمتر تصمیم گرفته شد که مامورین دولت نمیتوانند بیش از یک زن داشته باشند. علاوه پیشنهاد شد تا حداقل سن ازدواج برای پسران 22 سالگی و برای دختران 18 سالگی تعیین گردد، اما این نظر بعد از مباحثات زیاد به اکثریت مطلق آراء رد شد، زیرا با اصول اسلامی همخوانی نداشت. در اخیر

مجلس چهارم، امان الله شاه پیشنهاد کرد که خانم او به حیث ملکه و پسرش شهزاده رحمت الله را که در آنوقت شش ساله بود، به حیث وارث تاج و تخت و ولیعهد افغانستان بشناسند. این پیشنهاد اخیر با کف زدن و هلهله زیاد پذیرفته شد و تثبیت گردید.

یکی از پر جنجال ترین اقدامات عصر امانی موضوع رفع حجاب بود که حتی در سقوط رژیم نقش بسیار عمده بازی کرد. در نتیجه همین طرز فکر بود که شاه امان الله در لویه جرگه پغمان (1307) از ملکه ثریا خواست تا به حیث اولین زنان افغان روپوش خود را در حضور نمایندگان مردم بطور رسمی از چهره بردارد و بدینوسیله به رفع حجاب رسمیت دهد. لویه جرگه نه تنها به رفع حجاب مهر تائید نگذاشت، بلکه اکثر نمایندگان از این پیش آمد شاه و ملکه منزجر گردیدند و حتی بعضی ها صدای اعتراض را نیز بلند کردند. رفع حجاب بزعم شاه امان الله برداشتن برقع (چادری) بود که بر طبق عنعنه زنان مکلف به پوشیدن آن بودند. او ستر شرعی را که شامل کف دستها و روی زن نیست و بارعایت آن زن میتواند بکار و مشغله متناسب به حال خود بپردازد، قبول داشت و حتی به قول وکیلی پوپلزائی شاه در لویه جرگه پغمان گفت: "من مسئله حجاب را آزاد میگذارم" و علاوه کرد: "تنها چیزیکه رعایت آنرا مینمایم مسئله ستر شرعی است، یعنی اگر دیدم بیشتر از حدودیکه در شرع انور آمده است مثلاً دستها الی بند و روی الی زنج، اگر بیش از این بی ستر دیدم، مجازات و از آن جلوگیری خواهم کرد" (وکیلی پوپلزائی: "سفرهای غازی امان الله شاه...، صفحه 277)

قابل ذکر است که به تعداد 12 نفر خانم ها از بین اعضای "انجمن حمایت زنان" در لویه جرگه 1307 پغمان به حیث وکلای طبقه نسوان تعیین شدند؛ این اولین بار است که زنان کشور در مجمع بزرگ ملی و تقنینی در کنار مردان با حقوق مساوی، البته در صف جداگانه اشتراک کردند.

مسلم است که مخالفت و برخورد عنعنه گراها و عناصر محافظه کار در برابر تجدد و نوآوریها در جوامع مختلف همیشه با یکنوع مقاومت برضد تحول همراه بوده که حتی بعضاً با قیامهای مسلحانه و سقوط رژیم ها و حکومت کشورها منتج شده است. در جامعه مردسالار افغانستان که زنان جز ملکیت شخصی مرد شناخته میشوند و قادر به دفاع از حقوق خود نیستند، هر نوع تلاش برای رهایی آنها از طرف دولت و اصلاحات دستوری از بالا بطور عموم با مقاومت های نسبی مواجه گردیده است. این مقاومت ها در عصر امانی بیشتر از آنکه در سطح ملی و مردمی تبارز کند، در سطح قشری و توسط گروپهای علاقمند به قدرت براه انداخته شد که بدون شک در عقب آن دست قوی انگلیس ها بطور محسوس و اما غیر مرئی فعال بود.

در روز اخیر اجلاس لویه جرگه (مورخه 11 سنبله مطابق دوم سپتمبر) اعلیحضرت از لویه جرگه تقاضا کرد تا بیرق ملی جدید افغانستان را تصویب نمایند. او گفت که: یکی از الوان رنگ بیرق باید سیاه باشد تا دوره ماتم و بدبختی را که افغانستان کاملاً آزاد نبود، بیاد آورد، همچنان به اساس پیشنهاد او بیرق کشور حاوی سه رنگ سیاه، سرخ و سبز باشد که در آن سمبول آفتاب سرکشیده از قله های پربرف و به دوطرف آن خوشه های از گندم و در وسط آن نام "الله" به حیث نشان بیرق ثبت شود.

آدامک در این باره از شاه مان الله نقل قول میکند که رنگهای بیرق و نشان آنرا چنین تعبیر کرده است: «رنگ سیاه را رنگ ماتم و زمانیکه افغانستان تحت حمایت غیر بود، رنگ سرخ - رنگ قطرات خونی است که برای کسب آزادی ریختانده شده است و از آن نمایندگی میکند که آزادی خون بهای ما است و رنگ سبز - رنگ امیدواری، نوید، آزادی و پیشرفتهایی است که در آینده نصیب ما میشود. کوه ها ممتل افغانستان است و طلوع آفتاب پیشرفت و انکشاف افغانستان را به نمایش میگذارد،

خوشه گندم علامه است که احمد شاه بابا آنرا در تاجپوشی در سال 1747 (1126ش) بر سر خود نهاد و گفت که من به تاج دیگر ضرورت ندارم. «(آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، (چاپ اول به زبان انگلیسی، پوهنتون اریزونا، 1974)، مترجم: پوهاند محمد فاضل صاحبزاده، چاپ دوم، پشاور، 1377، صفحات 189 تا 193)

با این ترتیب لویه جرگه 1307 به پایان رسید، اما اعلیحضرت فرصت نیافت یا لازم ندید تا راجع به دیگر موضوعات مورد علاقه خود در لویه جرگه ابراز نظر کند و شاید هم به دلیل اینکه فکر میکرد اعضای لویه جرگه به آن چندان علاقمند نخواهند بود. لذا او تصمیم گرفت ادامه موضوعات را در یک فضای دیگر به سمع مردم و به خصوص مامورین عالرتبه نظامی و ملکی دولت، اعضای شورای دولت و تعدادی از روشنفکران و معاریف و بزرگان شهر کابل با خانم های شان برساند. به همین دلیل اعلیحضرت یک ماه بعد از ختم لویه جرگه بتاريخ 10 میزان (2 اکتوبر) برای چهار روز متواتر الی 13 میزان (5 اکتوبر) جلسات دیگر را با اشتراک در حدود 600 نفر به شمول اعضای کوردپلماتیک و خانم های شان در قصر ستور (وزارت خارجه) دائر کرد.

### جلسات در قصر ستور:

در جلسه روز اول قصر ستور اعلیحضرت بیشتر به شرحی درباره سفر خود و موفقیت حاصله از آن پرداخت و نتایج سیاسی سفر خود را چنین بیان کرد: «عقد پیمان دوستی با مصر، ترکیه، سوئیس، پولند، جاپان، فنلند، لاتویا، لایبیریا و همچنان پیمان ترانزیتی به پولن عقد شد. پیمانهای دیگری آماده امضاء با آستریا، هالند، دنمارک، سوئدن، ناروی، چین، یمن، حجاز و مکسیکو شده است. از امان الله در همه جا پذیرائی های شاندار از طرف خانواده های شاهی برتانیای و نیز کشور های دیگر به شمول بلشویک های اتحاد شوروی صورت گرفت.» (آدامک: روابط خارجی... صفحه 194)

در گزارش مربوط به مصارف سفر و خریداری اسلحه، ماشین آلات و وسائل تخنیک و فابریکات اعلیحضرت نیز ارقامی را ارائه کرد و گفت که همه اسناد مربوطه جهت غور و تدقیق حساسی به وزارت مالیه ارائه گردیده و مصارف سفر (بدون خریداریها) به 19 لک و پنجاه و یک هزار افغانی (1.9 میلیون افغانی) میرسد، درحالیکه به ارزش مبلغ یک کرور و 28 لک و 88 هزار افغانی (12.9 میلیون افغانی) از طرف مقامات رسمی کشورها به حیث تحفه و هدایا بما داده شده که بعد از وضع مصارف سفر، به مبلغ یک کرور و 9 لک و 38 هزار افغانی (تقریباً 11 میلیون افغانی) عاید حال ما گردیده است. (برای شرح مزید دیده شود: گزارش مختصر این سفر برگرفته از بیانات شفاهی اعلیحضرت که بعداً به قید تحریر درآمد و به نشر رسید و متن آن با لست مکمل خریداریها در کتاب "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا"، ... صفحه 208 تا 220 نیز درج است. آدامک مبالغ خریداری ها را برحسب محاسبه آلمانها به مبلغ 14 میلیون مارک نقد در ایتالیا و فرانسه و در حدود 6 میلیون مارک در جرمنی وانمود میکند، صفحه 194)

در روز دوم اجلاس در قصر ستور اعلیحضرت نخست در مورد تعلیمات عسکری صحبت کرد و اراده و نیت خود را مبنی بر انکشاف مکتب حربیه و توسعه تشکیلات آن بیان نمود و گفت که صاحب منصبان عسکری از مرید شدن و دست پیرگرفتن ممنوع میباشند؛ عساکر باید مهارتهای حیاتی و صنعتی را در دوره عسکری خود فرا گیرند که بعد از ختم دوره مکلفیت بتوانند آنرا تطبیق و به دیگران بیاموزند و عضو مفید و صالح جامعه شوند. همچنان او بر صاحب منصبان عسکری دستور داد تا یک ماه معاش خود را برای خریداری اسلحه جدید و همچنان یک ماه معاش خود را برای تأسیس کلوپ عسکری اعانه دهند. اعلیحضرت راجع به تزئید معاشات عسکری نیز سخن گفت و در

د پانو شمیره: له 7 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

بارهٔ انکشاف معارف در ولایات کشور به شکل شعب مکاتب عالی آلمانی و فرانسوی که در کابل قبلاً تأسیس شده بودند، نیز مطالبی اظهار کرد. در پایان این اجلاس او باردیگر به حداقل سن ازدواج برای جوانان اشاره کرد و گفت که شاگردان در دورهٔ مکتب ازدواج کرده نمیتوانند.

موضوع مهم و جنجال برانگیز را اعلیحضرت در روز سوم اجلاس مطرح کرد و آن عبارت بود از بحث بر لزوم برقع یا چادری برای زنان و گفت: در ظرف دوماه چادری معموله زنان باید به شکل دیگر تعویض گردد، زیرا این چادری مانند "خیمه" بوده و هنگام راه رفتن آنها را با خطر افتادن و به زمین خوردن مواجه می سازد. بجای آن زنان میتوانند به مثل زنان ترکی روبندی را که مثل یک دستمال است و قسمت پایانی آن روی را می پوشاند، استفاده کنند که البته پوشیدن آن اختیاری خواهد بود. او علاوه کرد که چادری و حتی روبند از وجایب اسلامی نیست و با این تذکر از ملکه ثریا خواست تا روبند خود را بردارد و خطاب به خانم های حاضر مجلس گفت تا آنها نیز از ملکه پیروی نمایند، ولی ملکه با تائی اینکار کرد و حضار مجلس به استقبال این امر کف زدند. در پایان اعلیحضرت باردیگر گفتار خود را متوجه ملا ها ساخت و از تعصب و جاهلیت آنها سخن گفت و علاوه کرد که آنها مسئول جمله عوام فریبی ها و منبع تمام تعصبات بیجا و پخش نادانی در جامعه میباشند.

در خطابه روز چهارم که بروز 13 میزان ادامه یافت اعلیحضرت اعلام کرد که قبلاً شیر احمد خان (رئیس شورای دولت) را به حیث صدراعظم تعیین کرده بود تا کابینه خود را تشکیل و برای شورای ملی معرفی دارد، اما چون موصوف موفق نشد تا افغانهای نخبه را شامل کابینهٔ خود سازد، لذا خودم داوطلب اینکار میشوم و تشکیل کابینه را نموده و آنرا به شورای ملی معرفی میدارم. به نقل از آدامک، اعلیحضرت گفتار خود را با چنین جملات خاتمه داد: «من پادشاه انقلابی هستم و آرزو دارم تا انقلاب را در هر جهت زندگی کشور خود به وجود آورم و از جمله مامورین دولت، کسانی که بصورت شعوری جرأت نمیکند با من همکاری نمایند، باید از کار شان استعفی دهند.» در این محفل یکی از کسانی که استعفی خود را اعلام کرد، عبدالرحمن خان لودین - رئیس عمومی گمرکات بود. (درباره جریانات قصر ستوردیده شود - آدامک: "روابط خارجی افغانستان... صفحه 193 تا 196)

### ارزیابی عمومی و علل سقوط :

علل سقوط دوره امانی یک موضوع مغلق و چندین جانبه است که اگر از دلیل عمده و اساسی آن یعنی توطئه های مکرر انگلیسها از شروع سلطنت تا پایان آن به اشکال و ذرایع مختلف بگذریم و تحلیل مشروح و مستند آنرا به کتاب قطور و پرمحتوای داکتر عبدالرحمن زمانی تحت عنوان "بازنگری دورهٔ امانی و توطئه های انگلیس" (چاپ جلال آباد سال 1391ش) واگذار شویم، میتوان علل و دلایل دیگر را در امور داخلی نیز در آن دیدخل دانست که از جمله یکی آن مربوط به نوآوریهای بعضاً بی لزوم در کشور میگردد. در این ارتباط نمیتوان از این واقعیت انکار کرد که در یک جامعه عنعنوی و محافظه کار که ذهنیت عامه تحت الشعاع ارزش های قبیلوی قرار دارد، برای مشروعیت و پایداری این ارزشها که رنگ و خصلت دینی و مذهبی بر آن داده شده و اعتبار آن تا سرحد تقدس بالا رفته است، هر نوع نوآوریها و اصلاحات تجدد گرایانه به مثابه نفی این ارزشها و در نهایت توهین به ذهنیت عامه و عنعنات مربوط تلقی میگردد. در قبال این وضع، وقوع برخوردها و جدال عمیق بین عنعنه گرایان و تجدد خواهان تا شعله و روشن شدن جنگ و خونریزی یک پدیده واضح و غیرقابل تردید



محسوب میشود، مگر آنکه جناح تجددگرا، چنان قوی و مجهز با وسایل و امکانات جهت تطبیق نوآوریها باشد که توان قیام و مقاومت را از محافظه کاران سلب نماید.

در دهه دوم قرن بیستم هنگامیکه سه کشور مسلمان هر یک ترکیه، ایران و افغانستان تقریباً همزمان راه تحول و تجدد را پیش گرفتند، دو کشور اول الذکر با استفاده از قدرت نظامی و سرکوب گر دولت، اصلاحات را به منصفه اجراء گذاشتند و عنعنه گراها نتوانستند برضد آن قیام کنند. در افغانستان اعلیحضرت امان الله شاه غازی بدون توجه اساسی به استحکام قوت نظامی، خواست فقط به استدلال و منطق از طریق صحبت و ارشاد پروگرام اصلاحی خود را عملی سازد و گفت: «امروز وقت قلم است، نه شمشیر!»

این روش در جامعه عنعنوی افغانستان که چشم مردم هنوز در روشنی تمدن عصری باز نشده بود و حتی ضدیت شان با استعمار انگلیس، در ضدیت با تجددگرائی غربی بازتاب یافته بود، هر نوع نوآوری غربی معادل به کفر پنداشته شد و بر علیه آن موقف خصمانه اتخاذ گردید. به گفته اولسن: «هرگاه لباس غربی برای شاه و حامیان تجدد طلب او معرف اشاعه تجدد بود، برای عامه مردم هرگاه صریحاً در تشابه با کفر نبود، حداقل اهانت به عنعنات آنها تلقی میشد» (اولسن، آستا: "اسلام و سیاست در افغانستان"، مترجم: خلیل زمر، دنمارک، 2001، صفحه 130). بخصوص وقتیکه این نوآوریها منافع گروهی و شخصی سران قبایل و رهبران مذهبی و علمای دینی را مستقیم یا غیرمستقیم تهدید میکرد، آنوقت همه آنها در برابر تجدد دست بهم داده مجدانه در امحای آن وارد میدان عمل میشدند. در افغانستان دوره کوتاه ده ساله سلطنت شاه امان الله مواجه با همین حالت گردید.

هرگاه نقش بعض شخصیتهای سرشناس مذهبی را در تحریک مردم به قیام علیه رژیم امانی بدقت بررسی کنیم، واضح میگردد که بیشترین تلاش آنها برای اعاده مجدد نفوذ شان در دستگاه دولت به حیث شریک السلطنه بود. آنها دلیل ضد اسلامی بودن اصلاحات را وسیله نیل به هدف خود قرار دادند. چون اعلیحضرت معتقد بود که عناصر محافظه کار و قدرت طلب قومی در برابر اصلاحات او سنگ اندازی میکنند، بناً در صدد آن شد تا از نفوذ آنها در امور دولتی بکاهد. الغای وقف، از بین بردن عنعنه پیری و مریدی در بین منسوبین عسکری، منع فعالیت ملاهای تحصیل کرده در مدرسه "دیوبند" هند و محدود ساختن صلاحیت قضات درجزاهای تعزیری و غیره جز همین پالیسی اعلیحضرت بود.

بعضی ها فکر میکنند که اختلاف نظر اعلیحضرت با قشرمحافظه کار مذهبی بعد از آنکه او از سفر اروپا برگشت و بعضی نوآوریها را اعلام کرد، تقویه شد. این نظر درست نیست، زیرا اعلیحضرت بعد از قیام خوست به مخالفت عناصر مذکور پی برده و بارها علناً در برابر آنها موقف گرفته بود. حتی در روز حرکت به صوب اروپا، خطاب به مردم چنین گفت: «سفرم به خارج خاص برای منفعت شما است و بس. اگر نیامدم، بیاد داشته باشید که از وطن تان دفاع کنید و یک ملت باشید، زیر سلطه و حکمرانی پادشاه مستبد به سر نبرید، به هدایات من گوش کنید، به خرافات عقیده نداشته باشید، زیرا بعضی ملاهای بی خرد دین را یک زنجیر برای تان ساخته و چیزهای غلط برای تان میگویند و شما را فریب میدهند، مطابق اوامر خدا و رسول (ص) رفتار کنید به چیزهاییکه ملاها میگویند، باور نکنید. در مقابل زنان از مدارا و ترحم کاربگیرید، شما همه از یک کشور هستید و با هم برادر میباشید، زنان مانند شما حق دارند و انسان اند، بیشتر از یک زن نگیرید و اطفال تانرا به

مکتب بفرستید و ثروت تانرا در تعلیم و تربیه اولاد تان بمصرف برسانید.» (استیوارت، ریه تالی: "آتش در افغانستان 1919 - 1929"، مترجم: یارمحمد کوهسار کابلی، چاپ اول، پشاور، 1380، صفحه 51)

لازم به تذکر است که در این موقع مخالفان به حمایت و هدایت انگلیسها و با استفاده از غیبت پادشاه دست به تحریکات جدی علیه نظام زده و اوضاع را نا آرام ساخته بودند. اعلیحضرت کوشید طی این لویه جرگه از یکطرف دست آوردهای سفر خود را به اطلاع نمایندگان برساند و از طرف دیگر سعی کرد تا تحریکات مخالفان را علیه نظام و شخص خود حتی المقدور خنثی سازد. لذا در این لویه جرگه شاه حاضر شد از بعضی اصلاحات که پس از مراجعت از سفر به کشور رویدست گرفته بود، تاحدی برگشت نماید. (برای شرح مزید دیده شود: متن اعلامیه مردم شنوار علیه اقدامات شاه و نیز فرمان اعلیحضرت مبنی بر مسامحه و گذشت شامل 18 فقره، در کتاب: "زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد، از این قلم، چاپ کابل، 2005، صفحه 160 تا 164)

اما برای اینکار بسیار دیر شده بود و اوضاع روبه بحران و وخامت میرفت، تا آنکه در اثر اغتشاش داخلی و عروج حبیب الله کلکانی بتاريخ 28 جدی 1307ش (17 جنوری 1929م) کابل بدست قوای سقوی سقوط کرد. اعلیحضرت چند روز قبل از سقوط کابل و استعفی از سلطنت به قندهار رفت و با مشاهده خطر تشدید یک جنگ بزرگ داخلی که در آن احتمال خونریزی بسیار و ایجاد درز عمیق بین مردم و شقاق ملی متصور بود، برای جلوگیری از این وضع از اعاده سلطنت منصرف و کشور را ترک نمود.

(ادامه دارد)

---

د پانو شمیره: له 10 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ